

ORIGINAL ARTICLE

A philosophical exploration of dramaturgy as an educational approach: Examining roles and proposing improvements for the teacher education system

Mohammad Faghedi*¹ , Alireza Mahmudnia² , Ramezan Barkhordari³ , Yahya Ghaedi⁴ 

1. Ph.D Student in Philosophy of Education, Department of Education, Faculty of Education, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Philosophy of Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor of Philosophy of Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor of philosophy of Education, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Correspondence

Mohammad Faghedi

Email:

mohammad.faghedi@yahoo.com

Received: 22/Feb/2024

Accepted: 19/ May/2024

How to cite:

Faghdi, M. Mahmudnia, A. Barkhordari, R. Ghaedi, Y. (2024). A philosophical exploration of dramaturgy as an educational approach: Examining roles and proposing improvements for the teacher education system, Technology and Scholarship in Education, 4 (1), 101-115.

ABSTRACT

The purpose of this research is to explain the philosophy of dramaturgy as an educational approach and to provide suggestions for improving the formal and public teacher training system. First, a philosophical investigation into dramaturgy as an educational approach was conducted, followed by an analysis of the necessary roles and skills of the teacher as a dramaturg. This research employed library and documentary methods to gather information, and by utilizing Franken's analogy model and interpretive analysis, the role of the teacher and the required skills to implement the dramaturgical approach in teacher training were explored. The findings of this study contribute to identifying and analyzing key dramaturgical principles, such as structural analysis, character recognition and analysis, situational analysis, and temporal and spatial context examination. Additionally, it underscores the most important skills of a teacher as a dramaturg, including the ability to analyze texts and lesson content and to design with a dramaturgical perspective. Finally, based on the research findings, recommendations are offered to enhance the teacher training system, enabling the effective application of this approach in both formal and public education systems.

KEY WORDS

Dramaturgy, Teacher training, Educational philosophy, Structural analysis, Dramaturgy skills.



«مقاله پژوهشی»

تبیین فلسفی دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی در پرورش رسمی: بررسی نقش ها و ارائه پیشنهادات برای بهبود نظام تربیت معلم

محمد فاقدی*^۱، علیرضا محمودنیا^۲، رمضان برخوردار^۳، یحیی قائدی^۴

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین فلسفی دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی در پرورش رسمی و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود نظام تربیت معلم رسمی و عمومی است. در این راستا، ابتدا به بررسی فلسفی دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی پرداخته شد و نقش ها و مهارت های ضروری معلم به عنوان دراماتورژ تحلیل شد. در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و اسنادی استفاده گردید. همچنین، با به کارگیری الگوی قیاس فرانکنا و تحلیل تفسیری، به بررسی نقش های معلم و مهارت های لازم برای اجرای رویکرد دراماتورژیک در تربیت معلم پرداخته شد. نتایج این پژوهش به شناسایی و تحلیل اصول دراماتورژی مانند تحلیل ساختاری، شناخت و تحلیل کاراکترها، تحلیل موقعیت و زمینه های زمانی و مکانی و غیره کمک می کند. همچنین مهم ترین مهارت های معلم به عنوان دراماتورژ از قبیل تحلیل متون و محتوای درسی، توانایی طراحی دراماتورژیک و غیره را مطرح می کند. در نهایت، با توجه به یافته های پژوهش، پیشنهاداتی برای بهبود نظام تربیت معلم به عنوان دراماتورژ ارائه شد تا این رویکرد به طور مؤثر در نظام آموزشی رسمی و عمومی به کار گرفته شود.

واژه های کلیدی

دراماتورژی، تربیت معلم، فلسفه تربیت، تحلیل ساختاری، مهارت های دراماتورژی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۴. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

محمد فاقدی

رایانامه:

mohammad.faghedi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

استناد به این مقاله:

فاقدی، محمد؛ محمودنیا، علیرضا؛ برخوردار، رمضان و قائدی، یحیی. (۱۴۰۳). تبیین فلسفی دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی در پرورش رسمی: بررسی نقش ها و ارائه پیشنهادات برای بهبود نظام تربیت معلم، فصلنامه فناوری و دانش پژوهی در تعلیم و تربیت، ۴ (۱)، ۱۰۱-۱۱۵.

مقدمه

امروزه، توجه به نقش و جایگاه منحصربه‌فرد هنر در دستیابی جوامع بشری به رشد و توسعه در ابعاد مختلف علمی، اقتصادی، صنعتی، اجتماعی و اخلاقی به شدت افزایش یافته‌است. هنر به‌عنوان یکی از ارکان اساسی تربیت، عقل و احساس انسان را متحد، تخیل را تحریک و محیط را دگرگون می‌کند. بر اساس نظریه‌های مایر^۱ (۱۳۹۶)، هنر به‌منزله نماد نگرش‌های معنوی بشری باقی می‌ماند و پس از گذشت زمان، دستاوردهای مادی ممکن است فراموش شوند، اما هنر همچنان به‌عنوان شاهدهی بر جستجوی بشر برای جاودانگی باقی می‌ماند. در کشورهای پیشرفته و صنعتی، مقدمات شکل‌گیری جنبش‌های تربیتی برای احیای هنر در نظام‌های آموزشی فراهم شده‌است و امروزه حفظ استانداردهای بالای آموزشی به حذف یا حاشیه‌نشینی هنر در نظام آموزشی نمی‌انجامد (مهرمحمدی، ۹۴). در ایران، با توجه به موقعیت کشور به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، نقش هنر در ایجاد توسعه پایدار و سریع باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. در این راستا، برخی محققان معتقدند که ضرورت آموزش هنری به‌اندازه ضرورت آموزش و بهداشت روشن و بدیهی است و آموزش هنر باید به‌عنوان یک مهارت اساسی در کنار مهارت‌های سه‌گانه خواندن، نوشتن و حساب کردن در مدارس گنجانده شود (کورتیز^۲، ۱۳۹۹؛ آدل آیف‌سن^۳، ۱۹۶۶). کارکرد هنر در آموزش و پرورش گسترده شده و ما می‌توانیم درباره هنر در آموزش و پرورش یا آموزش و پرورش از طریق هنر سخن بگوییم (ونالاین^۴، ۲۰۱۲). هنرها، ماهیتاً نشان‌دهنده اشکال اساسی تجربه انسانی هستند و زمینه بروز احساسات و تجلی خلاقانه‌ی آنها را فراهم می‌سازند. اگر هنر نوعی سواد است و زبان هنر قابل آموزش است، آموختن آن جنبه اجباری، عمومی و همگانی پیدا می‌کند. البته باید توجه داشت فعالیت هنری که منجر به تولید هنری می‌شود، جنبه گزینشی و انتخابی دارد و خاص هنرمندان است؛ در حالی که همگان می‌توانند در برخورد با زیبایی‌های طبیعی به‌طور عام و در مواجهه با آثار هنری به‌شکل

ویژه و خاص، تجربه زیبایی‌شناسی داشته‌باشند منوط به اینکه در این زمینه تربیت شده باشند (برودی^۵، ۱۹۷۷). دیویی تصریح می‌کند که کل تعلیم و تربیت به‌غیر از ابعاد حرفه‌ای آن، باید زیبایی‌شناسانه باشد. آیزنر نیز، درک روابط، توجه به ظرافت‌ها، هنرها، کار و فعالیت در این زمینه را همسو با نظر هربرت رید^۶ به‌عنوان صلاحیت و توانایی کلیدی و اساسی که از طریق تربیت هنری حاصل می‌گردد، می‌داند (رید، ۱۹۵۵). در واقع دیویی^۷، اهمیت و ضرورت مقوله زیبایی‌شناسی را از طریق تصریح ویژگی بنیادی زندگی انسان نشان می‌دهد. از نظر وی زندگانی انسان واجد یک ویژگی و کیفیت کمال جویانه و متعالی شونده می‌باشد. این ویژگی اساساً یک مقوله زیبایی‌شناسانه است. این کیفیت جنبه کمال جویانه است؛ یعنی همان نظری که آیزنر دارد و می‌بایست مساله اصلی در تعلیم و تربیت باشد (امینی ۱۳۸۰). بنا بر این لازم است که آموزش و پرورش در کنار توجه به پرورش استعدادها، خاص در زمینه تولید هنری، امکان برخورداری همه دانش‌آموزان از سطحی از تربیت هنری را فراهم سازد (رضایی، ۱۳۹۲).

نظام تربیتی ایران در حال حاضر به‌سمت تربیت دینی و بنیادگرایانه (انتقال ارزش‌های ثابت) گرایش پیدا کرده‌است. این تحول، نیازمند انتقال معنا و ارزش‌های دینی است، اما روش‌های نوین تربیتی و پراگماتیستی ممکن است با این اهداف تناقض داشته‌باشند. این تناقض می‌تواند به چالش‌هایی در پیاده‌سازی اهداف تربیتی و استفاده از روش‌های آموزشی نوین منجر شود. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که استفاده از رویکردهای هنری در آموزش می‌تواند به بهبود کیفیت پرورش کمک کند. یکی از این رویکردها، دراماتورژی به‌عنوان یک رویکرد تربیتی است که می‌تواند به ارتقای مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله در عصر انفجار اطلاعات کمک کند (فریره^۸، نقل از برودی، ۱۹۷۷). دراماتورژی، با تأکید بر قدرت عقلانیت و ارتقای سطح فرهنگی، می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل برای حل تناقض‌های موجود در نظام تربیتی فعلی در ایران مطرح شود.

پداگوژی^۹ انتقادی، که بر مبنای شرایط ایدئولوژیک و فلسفی عمومی بنا شده‌است، همچنین می‌تواند به ما در ایجاد تغییرات لازم در نظام تربیتی کمک کند. این رویکرد، با تأکید بر ایجاد

^۶ Read^۷ Dewey^۸ Freire^۹ pedagogy^۱ Mayer^۲ Cortines^۳ Oddleifson^۴ Venalainen^۵ Broudy

دانش بین‌رشته‌ای و بررسی ارتباطات بین حواشی و مراکز قدرت، می‌تواند به ایجاد تغییرات مثبت در نظام تربیتی کمک کند (فتحی و اجاره‌گاه، ۱۳۹۵).

دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی به معنای استفاده از اصول و تکنیک‌های دراماتورژیک در فرایند آموزش و یادگیری است. این رویکرد به معلمان و مربیان کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از عناصر دراماتیک نظیر روایت، شخصیت‌پردازی، ساختار داستانی و تحلیل متون، تجربه یادگیری را برای دانش‌آموزان زنده‌تر و جذاب‌تر کنند. در این رویکرد، معلم به عنوان یک دراماتورژ عمل می‌کند که نه تنها محتوای آموزشی را تحلیل و سازماندهی می‌کند، بلکه از روش‌های خلاقانه برای ارائه آن به دانش‌آموزان استفاده می‌کند. این می‌تواند شامل تحلیل ساختاری متون آموزشی، طراحی فعالیت‌های نمایشی، شبیه‌سازی‌های دراماتیک، و ایجاد دیالوگ و بحث‌های کلاسی باشد.

رویکرد دراماتورژی در آموزش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به عمق مفاهیم بپردازند، تفکر انتقادی و خلاقیت خود را تقویت کنند و به‌طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت داشته‌باشند. این رویکرد همچنین می‌تواند به بهبود مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی، و توانایی‌های اجتماعی دانش‌آموزان کمک کند.

با توجه به این مسائل، پژوهش حاضر به تبیین فلسفی دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی پرداخته و به بررسی چگونگی تربیت معلم برای استفاده مؤثر از این رویکرد در نظام تربیتی می‌پردازد. این پژوهش بر آن است که راهکارهایی را برای بهبود نظام تربیت‌معلم در ایران ارائه دهد و نقشی را که دراماتورژی می‌تواند در این زمینه ایفا کند، روشن سازد.

روش

این پژوهش با رویکردی کیفی شامل تحلیل فلسفی، روش استنتاجی و قیاس فرانکنا صورت گرفت که واقعیت را امری ذهنی می‌داند و بر اهمیت دیدگاه‌های چندگانه، از جمله دیدگاه پژوهش‌گر، تأکید می‌کند (برایمن^۱، ۲۰۰۱). روشی که پژوهش بر اساس آن برنامه‌ریزی و هدایت می‌شود، بر حسب فلسفه پژوهش، استراتژی پژوهش و ابزارهای پژوهش تعیین می‌گردد (دنزین و لینکلن^۲، ۲۰۰۵). در این پژوهش برای جمع‌آوری

اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده گردید. این روش شامل مراجعه و بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی همچون کتابخانه و اینترنت است که به جمع‌آوری اطلاعات مرتبط پرداخته شده‌است.

در تحقیق کتابخانه‌ای، حوزه کار محقق در کتابخانه و اسناد و مدارک متمرکز است. اصلی‌ترین ابزار در این روش کتاب‌ها و مقالات علمی است، و نگاه اقتصادی به محتوای کتاب و اسناد مکتوب امری مهم تلقی می‌شود. در گام اول، محقق از طریق فیش‌برداری به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته‌است. برای پاسخ به سؤالات پژوهش، اسناد بالادستی، سندهای اجرایی مرتبط با تربیت هنری در پرورش رسمی و عمومی ایران و پیشینه مفهوم دراماتورژی در متون مختلف مورد واکاوی قرار گرفت. در گام بعدی با استفاده از روش استنتاجی و قیاس فرانکنا استدلال‌هایی برای تبیین فلسفی و پاسخ به سؤالات اول و دوم مطرح گردید. در این الگو، فرانکنا با مجزا ساختن گزاره‌های واقع‌نگر و گزاره‌های هنجارین که هر دو را قلب فلسفه پرورش مطرح می‌کند (فرانکنا، ۱۹۷۲) و از ترکیب این گزاره‌ها برای نتیجه‌گیری عملی یا هنجارین استفاده می‌کند (باقری، ۱۳۹۴). ابتدا برای شروع استدلال یک گزاره هنجاری بدیهی را فرض می‌گیرد و به عنوان مقدمه استفاده می‌کند مقدمه دیگر استدلال را از گزاره‌های واقع‌نگر یا مبانی مطرح می‌کند و سپس یک گزاره هنجارین نتیجه‌گیری می‌شود. در این الگو مشکل گذر از هست‌ها به باید‌ها حل شده‌است و می‌توان گزاره هنجارین یا بایدی را به عنوان نتیجه استدلال مطرح کرد. محقق در این پژوهش با استفاده از الگوی (الف ب ج) و (ج د ه) در قیاس فرانکنا دانش‌ها و مهارت‌هایی را که برای استفاده از رویکرد دراماتورژی لازم است تبیین کرده است. در گام بعدی با توجه به نتایج استدلال‌ها پیشنهاداتی به منظور پاسخ به سؤال سوم مطرح شد.

یافته‌ها

برای تبیین فلسفی رویکرد دراماتورژی در پرورش رسمی ابتدا باید در مورد برخی مفاهیم استفاده شده در متن استدلال‌ها توافق صورت گیرد. رویکرد، نوعی نگرش بنیادی یا فلسفی به پدیده‌های انسانی و به‌طور خاص تعلیم و تربیت است. به عنوان مثال، رویکرد هرمنوتیک به پدیده‌های انسانی با تأکید بر نقش

^۲ Denzin & Lincoln

^۱ Bryman

اعطا می‌شود و تحقق آن باعث دستیابی به غایت تعالی آن، هدف اصیل زندگی انسان، یعنی قرب الی الله خواهد شد (سند تحول، ۱۳۹۰).

استدلال دوم

مقدمه اول: انسان برای حیات نیک باید به سمت وضع مطلوب (حیات طیبه) حرکت کند.

مقدمه دوم: انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است.

نتیجه: پس انسان برای حرکت در جهت تحقق مراتب حیات طیبه باید ابتدا حیات طیبه را به عنوان روش مطلوب زندگی انتخاب کند

انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است که این آزادی و اختیار را خدا به او داده است (سند تحول، ۱۳۹۰).

استدلال سوم

مقدمه اول: آفرینش انسان، هدفمند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است.

مقدمه دوم: انسان دارای عقل است و توانایی شناخت هستی را دارد.

نتیجه: انسان توانایی عقلانی انتخاب روش صحیح مطابق با غایت هستی را دارد لذا با استدلال درست روش مطلوب (بر فرض مطابقت کامل با عقلانیت) حیات طیبه را برمی‌گزیند.

انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در هستی توانایی دارد (سند تحول، ۱۳۹۰).

استدلال چهارم

مقدمه اول: خداوند توانایی ویژه‌ای به نام عقل و خرد به انسان ارزانی داشته است. حیات طیبه، مفهومی یکپارچه و کلی است که همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را در برمی‌گیرد و شئون گوناگونی دارد که در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی، آن را محقق می‌سازند.

مقدمه دوم: برای دستیابی به ابعاد فردی و اجتماعی حیات طیبه به شناخت مبانی فلسفی و علمی نیازمندیم.

اساسی تفسیر در فهم آن‌ها پرداخته و آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد (باقری، ۱۳۸۹) تربیت رسمی بخشی از جریان پرورش است که به شکل قانونی و سازمان یافته، با داشتن مخاطبان مشخص و اهداف، ساختار و برنامه معین، در جهت آماده سازی متریان برای تحقق حیات طیبه در ابعاد مختلف، طراحی و اجرا می‌شود. این نوع تربیت، انعطاف پذیری را با توجه به خصوصیات متریان حفظ کرده و پس از کسب شایستگی های لازم، به اعطای گواهی نامه موفقیت (مدرک معتبر) می انجامد (سند تحول، ۱۳۹۰). دراماتورژی، سرمنشأ خود را از یونان باستان دارد و توسط گوتهولت افرائیم لسنینگ^۱ در قرن هیجدهم در آلمان به عنوان نوعی عمل انتقادی خاص برای تشخیص فرآیند دراماتورژی نمایشنامه استفاده شد. در تئاتر آلمان، دراماتورژ کسی است که نمایشنامه ها را می خواند، انتخاب می کند و گاهی کارگردانی می کند. دراماتورژی به کمپوزیسیون^۲، ساختار و پرداخت مرتبط است و به عنوان فعلی دراماتیک و زنده، نه تنها میراث گذشته را حفظ می کند، بلکه آن را به جریان زنده و جاری جامعه معاصر بدل می سازد (خاکی، ۱۳۹۳).

بخش استدلال ها

اکثر مقدمات استدلال ها از منبع بالادستی مبانی نظری سند تحول بنیادین (نقشه راه تربیت رسمی) اخذ شده است. استدلال ها با توجه به الگوی فرانکنا در جهت تبیین فلسفی دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی در پرورش رسمی استنتاج شده است. دانش ها و مهارت هایی که با توجه به رویکرد دراماتورژی مورد نیاز یک معلم برای اجراست تبیین شده است. مقدماتی که از مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اخذ شده در ذیل استدلال مطرح گردیده است.

استدلال اول

مقدمه اول: انسان باید حیات نیک داشته باشد (پیش فرض مقدماتی).

مقدمه دوم: حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر است.

نتیجه: انسان برای حیات نیک باید به سمت وضع مطلوب (حیات طیبه) حرکت کند.

حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر بر اساس نظام معیار ربوبی است که با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری این نظام معیار در همین زندگی دنیایی و در جهت تعالی از سوی خداوند به انسان

^۲ Composition

^۱ Gotthold Ephraim Lessing

نتیجه: برای انتخاب و رسیدن به مراتب حیات طیبه به مبانی فلسفی و علمی نیازمندیم.

استدلال پنجم

مقدمه اول: برای انتخاب و رسیدن به مراتب حیات طیبه به مبانی فلسفی و علمی نیازمندیم.

مقدمه دوم: برای شناخت مبانی، استفاده صحیح از علوم عقلی (استدلالی) و علوم تجربی لازم است.

نتیجه: انسان باید از علوم عقلی و علوم تجربی استفاده کند (نیازمند به علوم عقلی و تجربی است).

استدلال ششم

مقدمه اول: انسان همواره در «موقعیت» است و می تواند آن را درک کند و تغییر دهد (سند تحول، ۱۳۹۰).

مقدمه دوم: شناخت موقعیت نیازمند شناخت ابعاد موقعیت از جمله زمان و مکان و متغیرهای تأثیرگذار در موقعیت است.

نتیجه: انسان باید ابعاد موقعیت را بشناسد.

استدلال هفتم

مقدمه اول: انسان باید ابعاد موقعیت را بشناسد.

مقدمه دوم: انسان برای شناخت ابعاد موقعیت از جمله زمان و مکان و متغیرهای تأثیرگذار نیازمند به دانش هایی که منجر به شناخت ابعاد شوند است.

نتیجه: پس برای شناخت زمان و موقعیت حال نیازمند به دانش تاریخ هستیم برای شناخت به مکان موقعیت و ویژگی های آن نیازمند به علم تاریخ و جغرافیا هستیم برای شناخت ماده گرایانه موقعیت نیازمند علوم تجربی هستیم و برای شناخت انسان به عنوان درک کننده موقعیت یا مؤثر اصلی در موقعیت نیازمند به علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، روان شناسی، انسان شناسی و... هستیم.

استدلال هشتم

مقدمه اول: وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است.

مقدمه دوم: انسان موجودی اجتماعی است. لذا هم وجود آدمی تاحدی قابل توجه از شرایط اجتماع تأثیر می پذیرد و هم می تواند با توسعه وجودی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد.

نتیجه: وجود انسان همواره در حال شدن حرکت و دگرگونی است و حرکت به سمت تعالی و حیات طیبه در گرو ارتباط مؤثر صحیح با اجتماع است.

استدلال نهم

مقدمه اول: انسان باید ارتباط مؤثر صحیح با اجتماع برقرار کند.

مقدمه دوم: برای این کار نیازمند شناخت خود و اجتماع است.

نتیجه: برای شناخت خود و اجتماع به علوم مرتبط به شناخت انسان و اجتماع و ارتباطات نیازمند است.

استدلال دهم

مقدمه اول: انسان برای شناخت هستی و طبیعت نیازمند به علوم تجربی است.

مقدمه دوم: علوم تجربی مقدمات خود را از علوم انسانی می گیرد (فرضیه و نظریه) و اصولاً مطرح کردن گزاره ها / فرضیه و یا نظریه یا گزاره ای است که از ذهن انسانی با تجربه زیسته منحصر به فرد و ذهن واحد با سوگیری های متفاوت مطرح شده است.

نتیجه: پس انسان برای شناخت هستی نیازمند به علوم انسانی نیز است.

استدلال یازدهم

مقدمه اول: انسان همواره در حال تصمیم گیری در موقعیت است.

مقدمه دوم: برآیند تصمیم های وی هویتش را می سازد.

نتیجه: برای رسیدن به هویت متعالی باید در مواجهه با موقعیت تصمیم صحیح بگیرد.

آدمی در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خود، نقش اساسی دارد. معرفت، باور، میل، اراده، عمل (فردی و جمعی) مداوم و در نتیجه کسب صفات و توانمندی ها و مهارت ها، عناصر اصلی تکوین و تحول هویت انسان اند (سند تحول، ۱۳۹۰).

استدلال دوازدهم

مقدمه اول: برای رسیدن به هویت متعالی باید در مواجهه با موقعیت تصمیم صحیح بگیرد.

استدلال شانزدهم

مقدمه اول: رویکرد تربیتی تربیت رسمی باید نقادانه باشد.

مقدمه دوم: رویکرد تربیتی دراماتورژی رویکرد نقادانه

مناسبی برای تفکر انتقادی است.

نتیجه: تربیت رسمی باید رویکرد تربیتی دراماتورژی

داشته باشد.

استدلال هفدهم

مقدمه اول: تربیت رسمی باید رویکرد تربیتی دراماتورژی

داشته باشد.

مقدمه دوم: برای اجرای رویکرد دراماتورژی به مهارت‌های

دراماتورژیکال لازم است.

نتیجه: برای اجرای رویکرد دراماتورژی باید مهارت‌های

دراماتورژی آموزش داده شود.

مقدمه دوم: برای ارتقای قدرت تصمیم‌گیری نیازمند به هدایت انسان‌های رشد یافته‌است.

نتیجه: انسان برای ارتقای قدرت تصمیم‌گیری نیازمند به معلم است.

آدمی برای نقش‌آفرینی در روند تکوین و تحول هویت خویش به دلیل وجود تهدیدهای بیرونی و درونی، نیازمند استعانت از خدای متعال و بهره‌مندی از راهنمایی و مساعدت انسان‌های رشد یافته‌است (سند تحول، ۱۳۹۰).

استدلال سیزدهم

مقدمه اول: انسان‌ها با یک رویکرد بنیادی یا فلسفی با پدیده‌های بنیادی و اصیل مواجه می‌شوند.

مقدمه دوم: برای انتخاب و تصمیم صحیح در مواجهه با پدیده‌ها باید رویکرد فلسفی صحیح اختیار شود.

نتیجه: تربیت رسمی رویکرد بنیادی مشخصی برای

مواجهه با پدیده‌ها انتخاب کرده است.

استدلال چهاردهم

مقدمه اول: تربیت رسمی رویکرد بنیادی مشخصی برای مواجهه با پدیده‌ها انتخاب کرده است.

مقدمه دوم: مبانی فلسفی سند تحول بنیادین برگرفته از فلسفه رئالیسم الهی است ولی رویکرد مواجهه با پدیده‌ها عقلانی و بر اساس رویکرد انتقادی است.

نتیجه: پس رویکرد بنیادی تربیت رسمی تفکر انتقادی است. معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس الامر) است. جهان هستی واقعیت دارد؛ ولی هستی به طبیعت منحصر نیست. آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت منسجم و جامع واقعیات و حقایق جهان باید از همه آنها بهره گرفت و نمی‌توان از برخی به نفع دیگری دست برداشت (سند تحول، ۱۳۹۰).

استدلال پانزدهم

مقدمه اول: رویکرد بنیادی تربیت رسمی تفکر انتقادی است.

مقدمه دوم: رویکرد تربیتی تربیت رسمی با توجه به

مواجهه انتقادی با پدیده‌ها باید نگاه نقادانه داشته باشد.

نتیجه: رویکرد تربیتی تربیت رسمی باید نقادانه باشد.

جدول ۱. به کارگیری استدلال‌ها در الگوی قیاس فرانکنا

ردیف	استدلال‌ها	الگوی قیاس فرانکنا	ارتباط با رویکرد دراماتورژیک
۱	انسان باید حیات نیک داشته باشد.	الف (پیش فرض مقدماتی)	اصول بنیادین: دراماتورژی به ایجاد و تحلیل حیات نیک از طریق داستان‌ها و متون آموزشی کمک می‌کند که به تبیین مفاهیم عمیق و ارزش‌ها می‌پردازد.
۲	انسان برای حیات نیک باید به سمت وضع مطلوب (حیات طیبه) حرکت کند.	ب (حاصل از پیش فرض)	هدف‌گذاری: دراماتورژی کمک می‌کند تا آموزش و روایت‌های دراماتیک به تحقق هدف‌های مطلوب حیات طیبه نزدیک شوند.
۳	آفرینش انسان هدفمند و در هماهنگی با غایت هستی است.	ج (ارتباط با عقلانیت)	عقلانیت: استفاده از تحلیل دراماتورژیک برای بررسی هدف‌مندی و انتخاب‌های عقلانی در متون آموزشی و دراماتیک.
۴	حیات طیبه مفهومی یکپارچه و کلی است.	د (فهم کلیت)	یکپارچگی: دراماتورژی به تحلیل ابعاد مختلف زندگی و تعاملات آن‌ها کمک می‌کند تا تصویر یکپارچه‌ای از حیات طیبه ارائه دهد.
۵	برای انتخاب و رسیدن به مراتب حیات طیبه به مبانی فلسفی و علمی نیازمندیم.	ه (نیاز به مبانی علمی)	مبانی علمی و فلسفی: دراماتورژی از مبانی فلسفی و علمی برای تحلیل و طراحی متون و فعالیت‌های آموزشی استفاده می‌کند.
۶	شناخت موقعیت نیازمند شناخت ابعاد موقعیت است.	الف (شناخت موقعیت)	تحلیل موقعیت: دراماتورژی به تحلیل و درک موقعیت‌های مختلف در متن‌های آموزشی کمک می‌کند.
۷	برای شناخت ابعاد موقعیت نیازمند به دانش‌های مرتبط هستیم.	ب (ضرورت دانش‌های مرتبط)	دانش‌های مرتبط: دراماتورژی از دانش‌های مختلف مانند تاریخ، جغرافیا، و علوم انسانی برای تحلیل دقیق موقعیت‌ها استفاده می‌کند.
۸	وجود انسان همواره در حال شدن و دگرگونی است.	ج (پویایی و تغییر)	پویایی: دراماتورژی به تحلیل و پیگیری تغییرات و دگرگونی‌های شخصیت‌ها و موقعیت‌ها در متون آموزشی کمک می‌کند.

۹	انسان باید ارتباط مؤثر صحیح با اجتماع برقرار کند.	د (ارتباط با اجتماع)	ارتباطات: دراماتورژی به طراحی و تحلیل ارتباطات مؤثر و تأثیرات اجتماعی در متن‌های آموزشی کمک می‌کند.
۱۰	انسان برای شناخت هستی و طبیعت نیازمند به علوم تجربی است.	ه (نیاز به علوم تجربی)	علوم تجربی: دراماتورژی از علوم تجربی برای تحلیل و طراحی دقیق متون و فعالیت‌های آموزشی استفاده می‌کند.
۱۱	انسان همواره در حال تصمیم‌گیری در موقعیت است.	الف (تصمیم‌گیری و هویت)	تصمیم‌گیری: دراماتورژی به تحلیل و تسهیل فرآیند تصمیم‌گیری در موقعیت‌های آموزشی کمک می‌کند.
۱۲	برای ارتقای قدرت تصمیم‌گیری نیازمند به هدایت انسان‌های رشد یافته‌است.	ب (نیاز به هدایت)	هدایت: دراماتورژی به ایجاد محیط‌های آموزشی که هدایت مؤثر را برای تصمیم‌گیری و رشد فراهم کند، کمک می‌کند.
۱۳	انسان‌ها با یک رویکرد بنیادی یا فلسفی با پدیده‌های بنیادی مواجه می‌شوند.	ج (رویکرد فلسفی)	رویکرد فلسفی: دراماتورژی به ایجاد و تحلیل رویکردهای فلسفی در مواجهه با متون آموزشی کمک می‌کند.
۱۴	تربیت رسمی رویکرد بنیادی مشخصی برای مواجهه با پدیده‌ها انتخاب کرده است.	د (رویکرد بنیادی)	رویکرد بنیادی: دراماتورژی به تبیین و تحلیل رویکرد بنیادی در پرورش رسمی کمک می‌کند.
۱۵	رویکرد تربیتی تربیت رسمی با توجه به مواجهه انتقادی با پدیده‌ها باید نگاه نقادانه داشته‌باشد.	ه (تفکر انتقادی)	تفکر انتقادی: دراماتورژی به ایجاد و تقویت نگاه نقادانه و تفکر انتقادی در متون و فعالیت‌های آموزشی کمک می‌کند.
۱۶	رویکرد تربیتی دراماتورژی، رویکرد نقادانه مناسبی برای تفکر انتقادی است.	الف (پشتیبانی از تفکر انتقادی)	پشتیبانی از تفکر انتقادی: دراماتورژی به عنوان یک رویکرد نقادانه و تحلیلی برای تفکر انتقادی در پرورش رسمی شناخته می‌شود.
۱۷	برای اجرای رویکرد دراماتورژی به مهارت‌های دراماتورژیک نیاز است.	ب (ضرورت مهارت‌ها)	مهارت‌ها: دراماتورژی نیازمند مهارت‌های خاصی است که باید در پرورش رسمی آموزش داده شود.

جدول ۲. دانش‌های لازم برای معلم به عنوان دراماتورژ با توجه به الگوی قیاس فرانکنا

ردیف	دانش لازم (مهارت‌های دراماتورژیک)	الگوی قیاس فرانکنا	ارتباط با اصول فلسفی و دراماتورژی
۱	تحلیل ساختاری متن	الف (پیش فرض مقدماتی)	اصول بنیادین: تحلیل ساختاری به درک و تحقق حیات طیبیه از طریق تجزیه و تحلیل ساختار متن‌های آموزشی کمک می‌کند.
۲	شناخت کاراکترها و شخصیت‌ها	ب (حاصل از پیش فرض)	هدف گذاری: درک عمیق شخصیت‌ها برای دستیابی به فهم بهتر از هدف‌های تربیتی و شخصیت‌پردازی در متون آموزشی.
۳	تحلیل موقعیت و زمینه‌های زمانی و مکانی	ج (ارتباط با عقلانیت)	عقلانیت: تحلیل موقعیت‌ها و زمینه‌ها برای شناخت دقیق و عقلانی از متن‌های آموزشی و تأثیرات آن‌ها.
۴	بررسی تعاملات و روابط میان شخصیت‌ها	د (فهم کلیت)	یکپارچگی: تحلیل تعاملات برای ارائه تصویر جامع و یکپارچه از روابط و مفاهیم در متون آموزشی.
۵	تحلیل زیر متن و مفاهیم عمیق	ه (نیاز به مبانی علمی)	مبانی علمی و فلسفی: تحلیل زیر متن برای کشف مفاهیم عمیق و فلسفی که به طراحی و تحلیل متون آموزشی کمک می‌کند.
۶	توصیف و تحلیل تغییرات و دگرگونی‌های شخصیت‌ها	الف (شناخت موقعیت)	پویایی: دراماتورژی به تحلیل تغییرات و تحول شخصیت‌ها برای بهبود فهم و تدریس بهتر متون آموزشی کمک می‌کند.
۷	پیش بینی و ارزیابی تأثیرات متقابل موقعیت‌ها	ب (ضرورت دانش‌های مرتبط)	دانش‌های مرتبط: استفاده از تحلیل دراماتورژیک برای پیش بینی و ارزیابی تأثیرات موقعیت‌ها در متون آموزشی.
۸	طراحی و پیاده سازی فعالیت‌های آموزشی مبتنی بر دراماتورژی	ج (پویایی و تغییر)	پویایی: طراحی فعالیت‌های آموزشی برای ایجاد و تقویت تعاملات مؤثر و تحول در یادگیری با استفاده از اصول دراماتورژی.
۹	تحلیل و طراحی سناریوهای آموزشی مبتنی بر اصول دراماتورژی	د (ارتباط با اجتماع)	ارتباطات: استفاده از اصول دراماتورژی برای طراحی سناریوهای آموزشی که تعاملات اجتماعی و ارتباطات را تقویت کند.
۱۰	ایجاد و تحلیل روایت‌های تعلیمی و تربیتی	ه (نیاز به علوم تجربی)	علوم تجربی: استفاده از تحلیل دراماتورژیک برای طراحی و تحلیل روایت‌های آموزشی که شامل تجربیات و شواهد واقعی است.

۱۱	ایجاد فضاهای آموزشی با تعاملات دراماتیک	الف (تصمیم‌گیری و هویت)	تصمیم‌گیری: طراحی فضاهای آموزشی با اصول دراماتورژی برای ارتقای مهارت‌های تصمیم‌گیری و هویت‌یابی در دانش‌آموزان.
۱۲	آموزش و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و تحلیل دراماتیک	ب (نیاز به هدایت)	هدایت: تقویت تفکر انتقادی و تحلیل دراماتیک به‌عنوان بخش مهمی از هدایت و آموزش در پرورش رسمی.
۱۳	ایجاد و استفاده از رویکردهای فلسفی و نقادانه در آموزش	ج (رویکرد فلسفی)	رویکرد فلسفی: استفاده از اصول دراماتورژی برای پیاده‌سازی رویکردهای فلسفی و نقادانه در متون آموزشی.
۱۴	مدیریت و نظارت بر فرآیندهای آموزشی با رویکرد دراماتورژیک	د (رویکرد بنیادی)	رویکرد بنیادی: مدیریت و نظارت بر فرآیندهای آموزشی برای اطمینان از پیاده‌سازی مؤثر رویکرد دراماتورژیک.
۱۵	توسعه و ارزیابی روش‌های آموزشی مبتنی بر تفکر انتقادی	ه (تفکر انتقادی)	تفکر انتقادی: توسعه و ارزیابی روش‌های آموزشی که بر اساس تفکر انتقادی و اصول دراماتورژی طراحی شده‌است.
۱۶	آموزش مهارت‌های دراماتورژیک به معلمان و دانش‌آموزان	الف (پشتیبانی از تفکر انتقادی)	پشتیبانی از تفکر انتقادی: آموزش مهارت‌های دراماتورژیک به معلمان و دانش‌آموزان برای ارتقای تفکر انتقادی و تحلیلی.
۱۷	طراحی برنامه‌های آموزشی با رویکرد دراماتورژیک	ب (ضرورت مهارت‌ها)	مهارت‌ها: طراحی برنامه‌های آموزشی که شامل مهارت‌های دراماتورژیک به‌عنوان بخش اساسی از تربیت رسمی.

اصول دراماتورژی

- تحلیل ساختاری: دراماتورژی شامل تحلیل ساختاری دقیق متون نمایشی است که به شناسایی اجزای مختلف متن از جمله طرح، نقاط اوج و فرود، و رابطه بین عناصر مختلف کمک می‌کند. این تحلیل به درک عمیق‌تر از ساختار و کاربرد آن در متون آموزشی کمک می‌کند (براکت و بال^۱، ۲۰۱۴).
- شناخت و تحلیل کاراکترها: یکی از اصول کلیدی دراماتورژی تحلیل کاراکترها و ویژگی‌های شخصیتی آنان است. این امر به شناسایی انگیزه‌ها، تعارضات، و
- تغییرات کاراکترها کمک کرده و می‌تواند در طراحی فعالیت‌های آموزشی مؤثر باشد (گردن^۲، ۲۰۱۱).
- تحلیل موقعیت و زمینه‌های زمانی و مکانی: دراماتورژی به بررسی موقعیت‌های زمانی و مکانی و تأثیر آن‌ها بر داستان و شخصیت‌ها می‌پردازد. این تحلیل به درک بهتر از متن و تطبیق آن با موقعیت‌های آموزشی و فرهنگی کمک می‌کند (نلسون^۳، ۲۰۱۲).

^۳ Nelson

^۱ Ball

^۲ Gordon

تحلیل به شناسایی معانی پنهان و مفاهیم فلسفی و فرهنگی کمک می‌کند که می‌تواند در طراحی آموزش‌های معنایی و فلسفی مفید باشد (کلین^۲، ۲۰۱۵).

- بررسی تعاملات و روابط میان شخصیت‌ها: این اصل شامل تحلیل تعاملات و روابط میان شخصیت‌ها و نحوه تأثیرگذاری این روابط بر پیشبرد داستان است. تحلیل این روابط در طراحی فعالیت‌های گروهی و تعاملات در کلاس مؤثر است. (کوهن^۱، ۲۰۰۸).
- تحلیل زیر متن و مفاهیم عمیق: دراماتورژی به بررسی زیر متن و مفاهیم عمیق موجود در متن می‌پردازد. این

جدول ۳. مهارت‌های لازم معلم به عنوان دراماتورژ

ردیف	مهارت	شرح
۱	تحلیل متون و محتوای درسی	تحلیل ساختاری و تشخیص مفاهیم زیربنایی در متون و محتوای آموزشی
۲	مهارت‌های خلاقیت و نوآوری	خلق تجربیات دراماتیک و نوآوری در تدریس
۳	توانایی طراحی دراماتورژیک	طراحی طرح‌های آموزشی و بازسازی و اقتباس متون
۴	مهارت‌های ارتباطی و تعاملی	ایجاد تعامل در کلاس و ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان
۵	مدیریت کلاس و فرایند یادگیری	مدیریت زمان و انعطاف‌پذیری در روش‌های تدریس
۶	مهارت‌های تفکر انتقادی و بازاندیشی	تحلیل انتقادی محتوا و روش‌های تدریس و انجام پژوهش‌های آموزشی
۷	توانایی کار تیمی و همکاری	همکاری با همکاران و ایجاد مشارکت دانش‌آموزان
۸	درک فرهنگی و اجتماعی	آگاهی فرهنگی و تطبیق محتوا و روش‌های تدریس با زمینه‌های فرهنگی مختلف
۹	توسعه حرفه‌ای مستمر	آموزش مداوم و پذیرش بازخورد برای بهبود مستمر
۱۰	استفاده از فناوری و ابزارهای دیجیتال	استفاده از فناوری‌های آموزشی و ایجاد محتواهای دیجیتال مرتبط با فعالیت‌های دراماتیک

نتیجه‌گیری و بحث

هدف کلی پژوهش حاضر تبیین فلسفی دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود نظام تربیت‌معلم رسمی و عمومی است. پژوهش حاضر دارای سه هدف فرعی تبیین فلسفی دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی، شناسایی و تبیین مهم‌ترین نقش‌ها و مهارت‌های معلم به عنوان دراماتورژ در پرورش رسمی و عمومی بر اساس تحلیل

فلسفی دراماتورژی و ارائه پیشنهاداتی برای تربیت معلم به عنوان دراماتورژ در نظام تربیت‌معلم رسمی و عمومی است.

نتیجه‌گیری پژوهش حاضر در قالب پاسخ به سؤال کلی فلسفه دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی چیست و چه پیشنهاداتی می‌توان برای بهبود نظام تربیت معلم رسمی و عمومی ارائه داد؟ و سه پرسش جزئی فلسفه دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی چیست؟ بر اساس تحلیل فلسفی دراماتورژی، مهم‌ترین نقش‌ها و مهارت‌های معلم به عنوان دراماتورژ در پرورش رسمی و عمومی کدام‌اند؟ با توجه به نتایج

^۲ Klein

^۱ Kuhn

به دست آمده از پرسش های اول و دوم، چه پیشنهاداتی می توان برای بهبود نظام تربیت معلم رسمی و عمومی با هدف تربیت معلم به عنوان دراماتورژ ارائه کرد؟ تدوین شده است.

پرسش ۱: فلسفه دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی چیست؟

فلسفه دراماتورژی به عنوان یک رویکرد تربیتی به این معناست که فرآیند آموزش همچون پیاده سازی و اجرای یک نمایشنامه در نظر گرفته می شود، که در آن معلم به عنوان دراماتورژ، مسئولیت تدوین و هدایت روایت آموزشی را بر عهده دارد. در این رویکرد، آموزش نه تنها به انتقال دانش محدود نمی شود، بلکه به ایجاد تجربه ای جامع از طریق تعامل پویا میان معلم و دانش آموزان می پردازد. این رویکرد بر اهمیت ایجاد پیوندهای مفهومی میان مفاهیم آموزشی و زندگی واقعی تأکید دارد، به گونه ای که دانش آموزان بتوانند این مفاهیم را در زندگی خود به طور عملی به کار گیرند. معلم یا تسهیلگر به رویکرد دراماتورژی به عنوان شرط لازم پرورش باید عنایت ویژه ای داشته باشد چرا که آموزش بدون محتوای آموزشی یا بدون محرک یا سؤال امکان پذیر نیست. ارائه هر محرکی یا تدریس هر مطلبی نیاز به برنامه ریزی و هدایت دارد. با توجه به استدلال های مطرح شده رویکرد دراماتورژی و مهارت های ملزوم استفاده از این رویکرد به ارتقای کیفی معلم و در نهایت به ارتقای کیفی فرآیند پرورش منجر می شود.

پرسش ۲: مهم ترین نقش ها و مهارت های معلم به عنوان دراماتورژ در تربیت رسمی و عمومی کدام اند؟

در تحلیل فلسفی دراماتورژی، معلم به عنوان دراماتورژ نقشی کلیدی در فرآیند تربیت رسمی و عمومی ایفا می کند. یکی از نقش های مهم معلم، تحلیل گر محتوای آموزشی است. معلم باید بتواند متون و مفاهیم آموزشی را همچون یک دراماتورژ تحلیل کرده و عناصر کلیدی و پنهان آن را استخراج کند. این محتوا می تواند شامل داستان ها، مسائل علمی، یا حتی تصاویری باشد که تعادل ذهنی دانش آموزان را به چالش کشیده و آن ها را به تفکر و پرسش گری سوق دهد. همچنین، معلم به عنوان سازنده روایت آموزشی باید توانایی سازماندهی مفاهیم در قالب روایت های معنادار و متناسب با نیازها و موقعیت دانش آموزان را داشته باشد. این روایت ها باید به گونه ای طراحی شوند که بتوانند دانش آموزان را درگیر و مشارکت آنان را در فرآیند یادگیری تسهیل کنند. نقش معلم به عنوان یک ایجادکننده تعاملات

پویا نیز حائز اهمیت است. او باید تعاملات کلاسی را به صورت هدایت شده و پویا تنظیم کند تا هر دانش آموز بتواند نقش فعالی در این فرایند ایفا کند. این تعاملات باید به گونه ای باشد که فضای یادگیری را به بستری خلاق و دموکراتیک تبدیل کند. از سوی دیگر، معلم در نقش منتقد نقاد باید توانایی بازنگری و تطبیق روش های آموزشی را بر اساس نیازها و شرایط دانش آموزان داشته باشد. این رویکرد به معلم امکان می دهد تا دائماً روش های خود را به روزرسانی کرده و اثربخشی آموزش را تضمین کند. در نهایت، معلم به عنوان تسهیل گر خلاقیت باید محیطی را فراهم آورد که دانش آموزان به راحتی بتوانند خلاقیت خود را بروز داده و ایده های جدیدی ارائه دهند. این امر به توسعه توانمندی های فردی و افزایش انگیزه یادگیری دانش آموزان کمک شایانی خواهد کرد

پرسش ۳: چه پیشنهاداتی می توان برای بهبود نظام تربیت معلم رسمی و عمومی با هدف تربیت معلم به عنوان دراماتورژ ارائه کرد؟

برای بهبود نظام تربیت معلم رسمی و عمومی با هدف تربیت معلم به عنوان دراماتورژ، پیشنهاداتی در سطوح نظری، عملی، ارزشی، و اجرایی قابل ارائه هستند. در سطح نظری، لازم است که معلمان دانش عمیق تری در زمینه تحلیل متون و فهم فلسفی از محتواهای تربیتی کسب کنند. به همین منظور، گنجاندن دروس فلسفه تعلیم و تربیت با تأکید بر رویکرد دراماتورژی در برنامه های تربیت معلم، نقش اساسی ایفا خواهد کرد. این دروس می توانند به معلمان کمک کنند تا مفاهیم پیچیده و ساختارهای آموزشی را به طور دقیق تحلیل کرده و از آن ها در طراحی برنامه های آموزشی بهره برداری کنند.

در سطح عملی، اجرای کارگاه های تخصصی برای معلمان با هدف تقویت مهارت های دراماتورژیک ضروری است. این کارگاه ها باید فضایی برای تمرین عملی و بازخوردگیری فراهم کنند تا معلمان بتوانند در تدوین و اجرای روایت های آموزشی به صورت ساختارمند و مؤثر مهارت کسب کنند. همچنین، ایجاد محیط هایی برای تمرینات گروهی و فردی، معلمان را برای اجرای این رویکرد آماده می کند.

در سطح ارزشی، معلم باید به عنوان تسهیل گر خلاقیت و منتقد روش های آموزشی نقشی فعال ایفا کند. بازنگری مداوم در روش های تدریس با توجه به نیازها و شرایط دانش آموزان و تأکید بر مشارکت فعال دانش آموزان در فرایند یادگیری از دیگر ارزش های مهم در این رویکرد است. به این ترتیب، معلم

- می‌تواند فضایی پویا و خلاق ایجاد کند که در آن دانش‌آموزان نقش فعالی در یادگیری داشته باشند.
- در سطح اجرایی، سیاست‌گذاری و حمایت نهادی برای توسعه و به‌کارگیری رویکرد دراماتورژی در نظام تربیت‌معلم باید در اولویت قرار گیرد. تدوین سیاست‌های حمایتی، ایجاد نهادهای تخصصی و گروه‌های مشورتی می‌تواند به تسهیل ارتباطات بین معلمان و به‌اشتراک‌گذاری تجربیات موفق کمک کند. این حمایت‌ها معلمان را به استفاده از روش‌های خلاقانه و دراماتورژیک در آموزش تشویق می‌کند.
- رضایی، منیره. (۱۳۹۲). *تربیت هنری در نظام آموزشی ایران، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال چهارم شماره ۲۲ تابستان*.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: آذرماه ۱۳۹۰*.
- فتحی و اجاره گاه، کوروش. (۱۳۹۵). *برنامه درسی به‌سوی هویت‌های جدید، تهران: انتشارات آبیژ*.
- مایر، فردریک. (۱۳۹۶). *تاریخ اندیشه‌های تربیتی جلد اول ترجمه‌ی ع اصغر فیاض، تهران: انتشارات سمت*.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسندگان از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش و صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنند.

ملاحظات اخلاقی

- در جریان اجرای این پژوهش و تهیه مقاله کلیه قوانین کشوری و اصول اخلاق حرفه‌ای مرتبط با پژوهش رعایت شده‌است.

حامی مالی

کلیه هزینه‌های پژوهش حاضر توسط نویسندگان مقاله تأمین شده‌است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است. این مقاله قبلاً در هیچ نشریه‌ای اعم از داخلی یا خارجی چاپ نشده است.

منابع

Brockett, O. G & Ball, W. (2014). *The Essential Theatre* (10th ed.). Wadsworth Cengage Learning.

Broudy, Harry, S, (1987). *Theory & Practice in Aesthetic Education, Studies in Art Education*, Vol 17, No 3.

Broudy, Harry, (1977). "How Basic is Aesthetic Education? Or Is, Rt the Fourth R? " *Educational Leadership*. Vol 35.

Bryman, A. (2001). *Quality and Quality in social Research*, London: *unwin Hyman*.

Cohen, R. (2008). *Theatre & Performance*. (2nd ed.). *Palgrave Macmillan*.

Cortines, R. C. (1999), "Introduction, In *Gaining The Arts Advantage*, " President Committee On The Arts On The Humanities Arts Education partnership.

Denzin, N.K. and Lincoln, Y.S. (2005). *Introduction: The Discipline and Practice of Qualitative Research*. In: Denzin, N.K. and Lincoln, Y. S., Eds., *Handbook of Qualitative Research*, 3rd Edition, Sage, *Thousand Oaks*, 1-32.

Eisner Eliot W(2005) *Handbook of Research and Policy in Art Education*, National Art Education

باقری، خسرو. (۱۳۹۴). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی*.

باقری، خسرو. (۱۴۰۰). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه*.

براکت، اسکار. (۱۳۷۵). *تاریخ تأثیر جهان ترجمه‌ی هوشنگ آزادی ور، تهران: انتشارات مروارید*.

خاکی، محمدرضا؛ ابراهیمی، منصور. (۱۳۹۰). *دراماتورژی چیست؟ دراماتورژ کیست؟ تهران: نشر بیدگل*.

Oddleifson, E. (1966). "The Necessary Role Of The Arts In Education And Society: Finding The Creative Power Within Us To Control Our Lives And Shape Our Destinies. *A Population Of Center For Arts In The Basic Education*. (CABC).

Read, Herbert. (1955). The grass roots of art, lectures on the social aspects of art in an industrial age, G. Wittenborn.

Venalainen, Paivi. (2012). Contemporary Art as a Learning Experience. The 5th Intercultural Arts Education Conference: *Design Learning*. Available at: www.sciencedirect.com

(NAEA) and Lawrence Erlbaum Associates, Publishers (LEA), *Mahwah New Jersey and London*.

Frankena, William K. (1972). "A Model for Teaching Ethics." *Educational Theory*, vol. 22, no. 1, pp. 67-75.

Frankena, William K. (1973). Ethics. 2nd ed. Englewood Cliffs, NJ: *Prentice-Hall*.

Gordon, L. (2011). The Drama of the American Stage. *University of Chicago Press*.

Klein, L. (2015). The Dramaturgy of Shakespeare's Late Plays. *Routledge*.

Nelson, R. (2012). The Art of Dramaturgy: A Guide to Drama and the Performing Arts. *Oxford University Press*.